

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قبسی از غدیر

آیه الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی (دام ظلہ)

ترجمہ

فرج الله الہی

فهرست مطالب

۷	مقدمه مترجم
۹	بزرگترین عید خدا
۱۴	غدیر و وفور نعمت
۲۰	غدیر و همدردی با مردم
۲۵	آموزه‌های مکتب غدیر
۳۲	غدیر و عواطف انسانی
۳۶	مسئولیت ما در برابر غدیر

شناسنامه کتاب

* نام کتاب:	قبسی از غدیر
* مترجم:	فرج الله الهی
* ناشر:	
* صفحه آرا:	سجاد ناصری
نوبت و تاریخ چاپ:	دوم، بهمن ۱۳۸۲

شابک:

مقدمه مترجم

جزوه پیش رو چکیده دیدگاههای جناب آیت الله سید صادق شیرازی در باره رخداد غدیر است که از زاویه‌ای جدید به آن نگریسته شده است. در نگاه جدید، غدیر نه یک حادثه بلکه یک فرهنگ است که از روز غدیر سال دهم هجری تا به امروز جریان دارد. به باور آیت الله شیرازی غدیر به سان آئینه تمام‌نمایی است که تمام ارزشهای اخلاقی و سیاسی و اجتماعی را در خود بازتاب می‌دهد و با روشن ساختن اضلاع و زوایای اندیشه و عمل اسلامی راه را بر هرگونه سلطه‌جویی و رعیت‌سازی می‌بندد. شیرازی نشان می‌دهد که منطق غدیر درست در نقطه مقابل حکومت‌هایی نظیر بنی‌امیه و بنی‌عباس و دیگر

حکومت‌های به ظاهر اسلامی قرار دارد که به نام اسلام به سرکوبی مخالفان سیاسی خویش می‌پردازند و به بهانه ارتداد حکم به قتل و شکنجه مسلمانان آزادی‌خواه می‌دهند. او همچنین ثابت می‌کند که ثروت اندوزی و شادخواری کسانی که به نام اسلام بر مردم حکم می‌رانند هیچ نسبتی با اسلام و حکومت اسلامی ندارد و سیره چنین حاکمانی به سیره عثمان مانده‌تر است تا علی ع. بر این اساس ایشان تلویحاً آحاد مسلمانان و به ویژه فرهنگ بانان و مبلغان اسلامی را به خاطر کوتاهی در ترویج فرهنگ غدیر مورد انتقاد قرار می‌دهد و بر مسئولیت آنان در نشر مفاهیم و آموزه‌های غدیر تأکید می‌ورزد.

۱۴ بهمن ۱۳۸۱/۳۰ ذی‌قعدة ۱۴۲۳

فرج الله الهی

بسم الله الرحمن الرحيم

بزرگترین عید خدا

اگر بخواهیم با زبان روایات اسلامی سخن بگوییم باید روز غدیر را بزرگترین عید خدا بدانیم.

«عن النبي صلى الله عليه وآله: يوم غدیر خم افضل اعیاد امتی و هو الیوم الذی أمرنی الله تعالی ذکره فیه بنصب اخی علی بن ابی طالب علماً لأمتی یهتدون به من بعدی و هو الیوم الذی اکمل الله فیه الدین و اتم علی امتی فیه النعمة و رضی لهم الاسلام دیناً؛

از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل شده است که فرمود: روز غدیر خم

بهترین عیده‌های امت من است. و آن روزی است که خداوند به من فرمان داد برادرم علی بن ابیطالب را به جانشینی خود نصب کنم تا مردم پس از من به وسیله او هدایت شوند. روز غدیر روزی است که خداوند دین را کامل و نعمتش را بر امتم تمام کرد و رضایت داد که اسلام آیین‌شان باشد».

«عن عبدالرحمن بن سالم عن ابيه قال سألت ابا عبدالله عليه السلام هل للمسلمين عيد غير يوم الجمعة والاضحى والفرط؟ قال نعم، اعظمها حرمة. قلت و ايّ عيد هو جعلت فداك؟ قال اليوم الذي نصب فيه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم امير المؤمنين عليه السلام و قال من كنت مولاه فعليّ مولاه. قلت و ايّ يوم هو؟ قال... يوم ثمانية عشر من ذى الحجّة!»

از امام صادق عليه السلام سؤال شد آیا مسلمانان غیر از روز جمعه و

فطر و قربان عید دیگری ندارند؟ فرمود: عیدی بزرگتر از آن را دارند. پرسیدم کدام است؟ فرمود روزی است که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم امیر المؤمنین عليه السلام را به ولایت منصوب کرد و فرمود هرکه من مولای او بودم پس از من علی مولای اوست. پرسیدم در چه روزی این اتفاق افتاد؟ فرمود: ... در روز هیجدهم ذی الحجّه».

روز غدیر نه تنها روز امیر المؤمنین عليه السلام به شمار می‌رود، بلکه روزی است که به پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم تعلق دارد، و اصولاً باید بگویم غدیر یوم الله و روز خداست. چون خدا و رسول و امیرالمؤمنین باهم‌اند و از یکدیگر جدایی ندارند. خداوند در وصف این روز فرموده است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا!»

امروز دینتان را کامل، نعمتم را تمام و آیین اسلام را برای شما برگزیدم».

بر طبق این آیه، اسلام زمانی به کمال خویش رسید که فریضه ولایت علی علیه السلام اعلام شد.

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «وكانت الفرائض ينزل منها شي بعد شي، تنزل الفريضة ثم تنزل الفريضة الاخرى و كانت الولاية آخر الفرائض فانزل الله عزوجل: اليوم اكملت ... يقول الله عز وجل: لا أنزل عليكم بعد هذه الفريضة فريضة، قد اكملت لكم هذه الفرائض^۱؛

احكام و واجبات یکی پس از دیگری نازل می شد و ولایت آخرین آنها بود. چون وقتی این حکم بیان گشت، خداوند آیه^۱ اليوم اكملت لكم دينكم... را نازل کرد و بدین وسیله اعلام داشت که از آن پس فریضه ای را نازل نخواهد کرد».

چون پس از نزول این آیه و انتصاب امیرالمؤمنین علیه السلام به جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، مردم به مقصود خداوند از آیه: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ^۱؛ ای گروه مؤمنین؛ از خدا و رسول و اولی الامر اطاعت کنید» پی بردند و دانستند که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باید از امیرالمؤمنین و اولاد طاهرين او علیهم السلام اطاعت کنند.

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است که فرمود: «آخر فريضة انزلها الله الولاية: اليوم اكملت لكم دينكم و اتمت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام ديناً، فلم ينزل من الفرائض شيئاً حتى قبض الله رسوله صلی الله علیه و آله و سلم^۲؛

فريضة ولایت آخرین فريضة ای بود که خداوند فرو فرستاد و پس از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را قبض روح فرمود».

۱. سورة نساء، آیه ۵۹.

۲. تفسير العياشي، ۱/۲۹۲/۲۰.

۱. قاضی نعمان مغربی، دعائم الاسلام، ۱/۱۴. همچنین کافی، ج ۱، ص ۲۸۹

(با اندک اختلاف).

بنا بر این کسانی که کوشیده‌اند نعمت را بر اصل شریعت و ولایت حمل کرده و صرفاً آن را امری معنوی بدانند، محل تأمل است. زیرا در این آیه سخن از اصل نعمت نیست، بلکه کلام در «اتمام نعمت» است. در قرآن وقتی سخن از اتمام نعمت به میان آمده، مراد نعمت‌هایی است که در دنیا نصیب انسان می‌شود^۱.

در نتیجه باید بگوییم که میان ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و برخورداری از نعمت‌های دنیوی، ارتباط مستقیمی وجود دارد و یکی از شرائط مهم و اصلی رسیدن به جامعه‌ای آزاد و آباد و توأم با عدالت و اخلاق و حاکمیت ارزش‌ها و فضایل معنوی و انسانی، آن است که ما به آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر ابلاغ فرمود، گردن نهیم و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را در عمل بپذیریم.

به عبارت دیگر پذیرش ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام اثری

غدیر و وفور نعمت

یکی از نکته‌های قابل توجه و مهم این آیه آن است که خداوند اتمام نعمت خویش بر خلق را مرهون و معلول ولایت معرفی کرده و آن دو را به هم ربط داده است. یعنی همان گونه که کمال دین با ولایت تحقق یافت، اتمام نعمت او نیز به اعلان ولایت از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و قبول آن توسط مردم منوط گردید. و مراد از نعمت، کلیه نعمت‌ها، اعم از ظاهری و باطنی مانند عدالت و مساوات و اتحاد و برادری و علم و اخلاق و امنیت روحی و روانی و رفاه و آزادی و امنیت و خلاصه انواع برخورداری‌ها می‌باشد.

۱. سوره مائده، آیه ۳ و ۶. سوره بقره، آیه ۱۵۰. سوره یوسف، آیه ۶. سوره

نحل، آیه ۸۱. سوره فتح، آیه ۲.

تکوینی دارد و باعث می‌شود زمین و آسمان نیز برکات و خیرات خود را بر مردم فرو ببارند.

خداوند می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِم مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ؛

اگر مردم به تورات و انجیل ملتزم می‌شدند و به آنچه از سوی پروردگارشان نازل گردیده است عمل می‌کردند، نعمت از هر سو بر آنان باریدن می‌گرفت و درهای آسمان و زمین به رویشان گشوده می‌گردید».

اگر بخواهیم در عبارتی کوتاه، غدیر را تعریف کنیم باید بگوییم: غدیر آن است که تمام اسلام را در دامن و کلیه فداکاری‌ها و تلاش‌های پیامبر ﷺ را در آغوش دارد و سینه‌اش مخزن احکام و آداب و برنامه‌هایی است که از سوی خدا بر

پیامبرش نازل گردیده است.

خداوند در اشاره به این حقیقت می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ؛

ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است به مردم ابلاغ کن. در غیر این صورت رسالت او را انجام نداده [و مردم را از برکت و یمن وجود امیر المؤمنین ﷺ محروم ساخته‌ای]».

غدیر بدان جهت که گنجینه‌ی فضایل و اخلاق و مکارم و محاسن، و بلکه عین آن است و کلیه‌ی پیشرفته‌های تمدنی و معنوی وام دار آن می‌باشد، مهمترین عامل حفظ دین است و انکار آن به معنی انکار کلیه مضامین پیشرفته اسلامی مندرج در سرزمین پهناورش می‌باشد.

بنابراین هر خطی که به غدیر منتهی نگشته و به آن وصل

نباشد، در حکم ردّ اهل بیت علیهم السلام و ردّ رسول خدا صلی الله علیه و آله و ردّ خداوند است.

غدیر به معنی واقعی کلمه، همان خط امیرالمؤمنین علیه السلام است که بر کل تاریخ حکم می‌راند و بر تمام بشریت و انسانیت حاکم است.

امیرالمؤمنین علیه السلام بزرگترین آیت خدا است و هیچ نشانه‌ی دیگری به پای او نمی‌رسد. بر این اساس امام باقر علیه السلام به کسی که بی امیر المؤمنین علیه السلام به دنبال معرفت خدا و اسلام بود فرمود: فلیشرّق ولیغرّب^۱؛ او اگر شرق و غرب را هم به زیر پا بگذارد به مطلوب نمی‌رسد.

این از بیچارگی و شوربختی انسان است که از راهی غیر از راه

۱... فلیشرّق الحکم والیغرّب، أما والله لا یصیب العلم الا من اهل بیت نزل

علیهم جبرئیل علیه السلام. کافی، ج ۱، ص ۴۰۰.

علی علیه السلام و آل علی علیهم السلام بخواهد به علم و معرفت دست یابد. این نوع علم و معرفت به فرض هم که حاصل شود به دلیل آن که فاقد جوهر اخلاقی و روحی بوده و تهی از معنویت و شریعت می‌باشد، علم و معرفتی غیر مفید و ناصحیح است.

غدیر و همدردی با مردم ❖ ۲۱

احتمال می‌داد شاید در دورترین مناطق قلمرو حکومتش افرادی باشند که حتی یک وعده غذای سیر نیز نخورده‌اند: «ولعل هناک بالحجاز او الیمامة من لا طمع له فی القرص ولا عهد له بالشعب^۱؛ شاید در مناطق حجاز و یمامه^۲ کسانی باشند که در حسرت قرص نانی به سر می‌برند و هیچ وقت سیری را تجربه نکرده‌اند».

بر طبق این فرمایش، علی علیه السلام همین که احتمال می‌دهد شاید در دورترین مناطق قلمرو حکومتش گرسنه‌ای وجود داشته باشد، خود سیر نمی‌خواهد و از خوراک و پوشاک و مسکن و رفاه معمولی و عادی هم پرهیز می‌کند.

ایشان با این روش دو هدف را دنبال می‌کرد، اول آن که

۱. همان.

۲. ناحیه‌ای است در جنوب عربستان که گاه آن را از یمن و گاه از حجاز

می‌شمردند. این ناحیه امروزه جز کشور عربستان سعودی است.

غدیر و همدردی با مردم

یکی از خصلت‌های علی علیه السلام به ویژه در دوران حکومتش همدردی با مردم بود.

امیر المؤمنین علیه السلام برای همدردی با ضعیف‌ترین مردم چنان بود که: «قد اکتفی من دنیاہ بطمریہ ومن طعمہ بقرصیہ^۱؛

از تن پوش دنیا به دو لباس فرسوده و از غذای آن به دو نان اکتفا کرده بود. نه خشتی بر خشتی گذاشت، نه ساکن قصری شد و نه سوار آسی^۱».

او این همه را به آن علت بر خویش تحمیل می‌کرد که

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

می‌خواست زمینه هر نوع انتقاد از خود را به عنوان یک حاکم اسلامی از میان ببرد و بهانه را از دست منتقدانی که هر نوع فضیلت او را انکار می‌کردند بگیرد.

منتقدانی که حتی تصدق انگشتری او در حال رکوع را انکار کرده‌اند. با آن که عموم مفسران عقیده دارند که آیه: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ!»؛ ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند» در شأن علی (علیه السلام) نازل شده و او تنها مصداق منحصر به فرد آن است.

و دوم آنکه حکام را نسبت به مسؤلیت خطیری که در قبال رنج و گرسنگی مردم تحت حکومت خویش دارند آگاه سازد و

ضرورت عدالت ورزی و همدردی با آنان و تلاش برای تأمین رفاه و راحتشان را گوشزد نماید^۱.

۱. آن حضرت در نامه‌ای که به عثمان بن حنیف نوشته‌اند، می‌فرماید:

اگر می‌خواستیم می‌توانستیم با عسل ناب و مغز گندم و لباس دیبا راه رفته، ولی هیئات که نفسم بر من غلبه کند و حرص و آز مرا به غذاهای لذیذ بکشاند، در حالی که شاید در قلمرو کشور من در یمامه و حجاز کسی باشد، که امید قرص نانی نداشته و هرگز رنگ سیری را به چشم خود ندیده باشد، یا من در حالی که سیر بوده باشم به خواب شبانه روی کنم در حالی که اطراف من شکم‌های گرسنه و جگرهای تشنه باشد، چنان که شاعر در این باره می‌گوید: سپس این یک بیت شعر را سرود:

وحسبك داء أن تبيت ببطنه وحولك أکباد تحن إلي القدر

یعنی: همین درد تو را بس که در حال سیری بخوابی در حالی که اطراف تو کسانی باشند که با جگرهای تشنه روزها را به سر ببرند.

آیا به همین دل خوش کنم که مرا امیر مؤمنان بخوانند در حالی که در ناملایمات زمانه با ایشان شریک نباشم، و در سختی‌ها الگوی آنان نباشم؟ مرا نیافریده‌اند که تام ذکر و همتش خوردن غذاهای لذیذ باشد، هم چنان حیوانی که

در سیرهٔ علی علیه السلام همین که احتمال وجود گرسنگانی در دورترین مناطق کشور باشد، مسؤلیت‌آور است و حاکم را ملزم می‌سازد که زندگی شخصی خویش را در سطح زندگی آنان تنظیم کرده و در غمشان شریک گردد.

اینجاست که اهمیت غدیر بیش از پیش رخ می‌نماید و ارزش‌ها و آموزه‌های عالی و بلند آن روز به روز آشکارتر می‌شود. ارزش‌هایی که تضمین‌کننده تعادل روحی و عقلی و مادی و معنوی برای جوامع و افراد انسانی است و سعادت فرد و جمع و حاکم و محکوم را به دنبال می‌آورد.

آموزه‌های مکتب غدیر

آموزه‌های غدیر به حدی دامن‌گستر و عمیق است که هیچ کس را یارای درک تمام آن نیست. اما پاره‌ای از این آموزه‌ها همان است که در گفتار و کردار علی علیه السلام متجلی گردیده است. به عنوان نمونه توجه خوانندگان را به این عبارت بسیار کوتاه، اما فوق‌العاده عمیق جلب می‌کنم که فرمود: «والله لو أعطيت الاقاليم السبعة بما تحت افلاكها على ان اعصى الله في نعمة اسلمها جلب شعيرة، ما فعلت^۱؛

به خدا سوگند اگر حکومت اقالیم هفتگانه را هم به من بدهند که بر خلاف دستور خدا پوست جوی را از مورچه‌ای

﴿در آغل مشغول خوردن علف می‌باشد، یا حیوانی که در صحراها مشغول

خوردن آشغال‌های روی زمین باشد. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۵۴، صبحی صالح.

بگیریم، نمی‌گیرم».

از نکات جالب و ظریف این فرمایش علی علیه السلام آن است که ایشان برای بیان مقصود خویش از واژه «لو» استفاده کرده‌اند. «لو» از حروف شرط و به معنای «اگر» است، با این تفاوت که «اگر» در فارسی دارای معنایی اعم از «لو» می‌باشد و به طور یکسان هم بر موارد امکان تحقق شرط به کار می‌رود و هم بر موارد عدم تحقق آن، اما «لو» در موارد عدم تحقق شرط استفاده می‌شود.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا ءِاهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا؛ اگر در آنها [زمین و آسمان] جز خدا، خدایانی [دیگر] وجود داشت، قطعاً [زمین و آسمان] تباه می‌شد».

ولی چون آسمان‌ها و زمین به حال خود باقی مانده و

متلاشی نشده و نمی‌شوند، کشف می‌شود که خدایانی جز «الله» وجود ندارد، و این را «لو» در ابتدای آیه هم دلالت دارد.

بنابراین مفاد «لو» در جمله امیرالمؤمنین علیه السلام «والله لو اعطیت...» این است که: حتی بر فرض تحقق شرط، جزا تحقق پیدا نخواهد کرد؛ یعنی حتی اگر در مقابل این ظلم که به نظر کوچک می‌رسد، تمام کره زمین با آنچه بر روی آن است را به من بدهند، هرگز آن را انجام نخواهم داد^۱.

نکته قابل دقت و دیگری که در این کلام علی علیه السلام وجود دارد آن است که ایشان می‌فرماید: حاضر نیست در مقابل به دست آوردن حکومت بر اقلیم‌های هفتگانه، حتی بر «یک مورچه» ستم روا دارد، گرچه به مقدار گرفتن پوست جویی از دهانش

۱. حتی إذا تحقق فی الخارج إعطائی الأقالیم السبعة فی مقابل هذا الظلم

الصغیر، مع ذلك لا یصدر هذا الظلم منی؛ حتی اگر تمام حکومت اقالیم هفتگانه را

نیز به من بدهند، هرگز در مقابل آن، این ظلم کوچک را انجام نخواهم داد.

باشد. چون «ة» در «نملة» تائید وحدت است و دلالت بر یک مورچه‌ی واحد می‌کند.

سومین نکته قابل توجهی که در این جمله وجود دارد، استفاده از واژه «جلب شعيرة» است. جلب شعيرة، به پوست بسیار نازک روی دانه جو می‌گویند که خود به خود از آن جدا می‌شود و می‌افتد. یقیناً اگر چیزی کم‌ارزش‌تر از پوست جو وجود داشت، امام علیه السلام فرمانروایی بر اقلیم‌های هفت‌گانه را با آن مقایسه می‌کرد.

علی علیه السلام با این فرمایش حجت را بر تمام حاکمان و زمامداران تمام کرده و عملکرد همه آنان را به چالش طلبیده است. حکامی که بخاطر یک وجب زمین، یا ثروتی اندک و یا دستیابی به مقام و متاع‌های واهی و پست دنیا، مرتکب هر جنایتی می‌شوند و هزاران هزار انسان بی‌گناه و پاک‌نهاد را به قتل رسانده و خونشان

را می‌ریزند.

در منطق غدیر که گرفتن پوست جویی از یک مورچه گناه به حساب می‌آید، دیگر معلوم است که بدگمانی و اتهام‌زنی به افراد و کشتن آنان به این بهانه چه جایگاهی دارد.

در مقابل این منطق، منطق بنی امیه و بنی عباس قرار دارد که انسانها را تنها به اتهام دوستی علی علیه السلام می‌کشتند و با کمترین سوء ظنی، مخالفان فکری و عقیدتی خویش را از میان می‌بردند. حتی خلفای پیش از علی علیه السلام نیز از همین منطق پیروی می‌کردند و به اندک بهانه‌ای به سرکوبی مخالفان خود می‌پرداختند. در همین راستا، ابوبکر لشکری را به فرماندهی خالد بن ولید عازم سرکوبی مخالفانش کرد و او با بدترین شیوه ممکن و با قساوتی تمام عده‌ای از مسلمانان را به خاک و خون کشید.

این جنگ‌ها گرچه به «جنگ‌های رده» معروف است و تحت

عنوان مبارزه با مرتدان صورت می‌گرفت، ولی اغلب کسانی که بدست خالد به قتل رسیدند از مسلمانان بی‌گناه بودند و مرتد شدن آنان فقط یک بهانه بود^۱. علاوه بر آن روشی که خالد بن ولید در جنگ با آنان در پیش گرفت، درست در نقطه مقابل روش رسول خدا ﷺ و دستورات اسلام قرار داشت. این روش‌ها عبارت بود از: کشتن مسلمانان به وسیله پرتاب کردن از ارتفاعات و بلندی‌ها، سوزاندن در آتش، مُثله کردن، (قطع اعضا) و انداختن آنان در چاه‌ها.

در صورتی که رسول خدا ﷺ صریحا دستور داده بود حتی

۱. تاریخ طبری، ۱۱۸۹/۳ - ۱۳۰۳، محمد حسین روحانی. محمد بن عمر بن واقد، کتاب الردة، ۱۴۰. تاریخ یعقوبی، ۹/۲، محمد ابراهیم آیتی. همچنین علامه حلی در کتاب **منتهی المطلب**، ج ۲، ص ۹۰۹ می‌نویسد: انّ ابا بکر أمر بتحریق أهل الردة و فعله خالد بن ولید بأمره...؛ ابوبکر دستور داد اهل رده را به آتش بکشند و خالد بن ولید امر او را اجرا کرد.

سگِ هار را نباید مُثله کرد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در آخرین وصیتش به بازماندگانش ضمن تأکید بر این نکته آنان را از مُثله کردن قاتلش برحذر می‌دارد و می‌فرماید: «فانی سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول: ایاکم والمثلة ولو بالکلب العقور^۱؛

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مکررا می‌فرمود که حتی سگ هار را مثله نکنید» - چه برسد به انسان - و اینها تنها گوشه‌ای از جنایات خالد بود که به دستور خلیفه اول صورت گرفت.

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۷، صحبی صالح.

غذایش را به اسیر و یتیم و مسکین می‌داد و خود گرسنه می‌ماند^۱. و تازه مگر غذایش چه بود؟ یک قرص نان! و در بستر شهادت دستور می‌دهد مقداری از شیری را که به عنوان دارو برایش آورده‌اند به ضاریش ابن ملجم بدهند و سفارش می‌کند مادام که او اسیر است مراقب باشند آب و غذایش را از یاد نبرند و محل مناسب و راحتی را برایش در نظر بگیرند، و نگذارند که از لحاظ لباس و پوشاک در مضیقه قرار بگیرد^۲.

۱. سوره الدهر، آیه ۸.

۲. اطیبوا طعامه و الینوا فراشه، فان أعش فأنا ولیّ دمی، فیأما عفوت و أما اقتصصت، وان أمت فالحقوه بی، ولا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین. بلاذری، أنساب الاشراف، ۲۵۶/۳. ابن قتیبه، الامامة والسیاسة، ۱۸۱/۱.

در نقلی دیگر آمده است که فرمود: اطعموه من طعامی، اسقوه من شرابی، فإن أنا عشت رأیت فیہ رای، وإن أنا متّ فاضربوه ضربة لا تزیدوه علیها.

از همان آب و غذایی که به من می‌دهید به او هم بدهید. پس اگر من زنده ماندم که خودم در باره او تصمیم می‌گیرم، ولی اگر مردم، شما فقط یک ضربه به او بزنید و نه بیشتر. خوارزمی، المناقب، ۴۰۳/۳۸۸. مقتل امیر المؤمنین، ۲۳ - ۴۰.

غدير و عواطف انسانی

یکی از برکات عید غدیر آشنایی با بعد شخصیت عاطفی امام علی علیه السلام و ائمه بعد از اوست. اینان که در روز غدیر از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به جانشینی ایشان منصوب گشتند، مظاهر رحمت خدا بر خلائق و مصداق اسمای حسناى او هستند. چنان که در پاره‌ای از روایات تفسیری، آیه: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا» و برای خداست اسمی نیکو، پس او را با آن‌ها بخوانید» برآنان منطبق گشته است.

امیر المؤمنین علیه السلام در شفقت بر خلق بدان پایه بود که تمام

۱. سوره اعراف، آیه ۱۸۰.

بلکه از آنان می‌خواهد که ابن ملجم را مورد عفو قرار داده و از او درگذرند: «إِن اعف فاعفو لی قربة و هو لکم حسنة فاعفوا، ألا تحبون ان یغفر الله لکم^۱».

به نوشته مورخان پس از آن که علی علیه السلام به شهادت رسید حتی زره او در گرو مردی یهودی بود. ولی وقتی که عثمان بن عفان کشته شد، اموال منقول او بالغ بر یک صد و پنجاه هزار دینار و یک میلیون درهم بود. و بهای املاک او در وادی القری و حنین و نواحی دیگر دویست هزار دینار بود و شتران و اسبان بسیاری داشت^۲.

حال این ثروت عظیم عثمان را در کنار قرض‌های باقی مانده از علی علیه السلام قرار دهید تا معلوم شود که تفاوت راه از کجاست تا به

کجا، و به وسیله آن از عظمت علی علیه السلام و غدیر واقف گردید. اینجاست که تا اندازه‌ای راز عظمت غدیر بر انسان مکشوف می‌شود و پی می‌برد که چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را بزرگترین عیدها نامیده است.

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۷، صبحی صالح.

۲. مقدمه ابن خلدون، ۳۹۳/۱، محمد پروین گنابادی.

بهتر از آنچه اکنون در آن هستیم، به سر می‌بردیم. ما می‌بایست برای مردم جهان توضیح می‌دادیم که غدیر یعنی تلاش برای ایجاد و گسترش رفاه و راحتی و پیشرفت و ترقی و فراوانی و آبادی جوامع انسانی.

غدیر یعنی تساوی متصدیان امور اقتصادی و مالی با دیگر افراد جامعه و ممنوعیت رانت‌خواری و باندبازی‌های آنان. در فرهنگ غدیر مسؤلان امور مالی کسانی‌اند که صرفاً امانت‌دار مردم‌اند و نه بیشتر.

و سرانجام غدیر یعنی اینکه خداوند از والیان عدل، پیمان گرفته است که زندگی خود را در سطح پایین‌ترین افراد جامعه قرار دهند و در خورد و خوراک و مسکن و پوشاک و رفاه و راحت و امثال آن همپای آنان باشند.

در پایان بار دیگر تأکید می‌کنم که ما مسئولیت بس بزرگی در قبال غدیر و امیر المؤمنین علیه السلام داریم و لازم است به وظیفه خود

مسئولیت ما در برابر غدیر

برای آگاهی از اصل و میزان مسئولیت ما در برابر غدیر، ابتدا لازم است از خود بپرسیم جهان معاصر چقدر غدیر را می‌شناسد و از عمق آن آگاه است؟ و اگر نمی‌شناسد چه کسی مقصر است؟ و ما نسبت به آن چه وظیفه‌ای داریم و مسؤلیت‌مان در برابر خدا و جوامع اسلامی چیست؟

واقعیت آن است که نسل کنونی هیچ‌گونه درک و تصور صحیحی از غدیر ندارد و مسئولیت مستقیم آن در درجه اول به عهده خود ماست. اگر ما بدرستی به وظیفه خود عمل می‌کردیم و مفهوم آن را برای مردم روشن می‌ساختیم، اکنون در وضعیتی

نسبت به این رخداد بزرگ عمل کنیم.

از مهمترین این وظایف در حال حاضر، اقدام به نشر مفاهیم غدیر و بهره‌مند ساختن عموم مردمان از این مائده آسمانی است. در غیر این صورت مشکل بتوان امیدوار بود که دست حکام و ستمگران از سر محرومان کوتاه شود و روزی بیاید که بشر از وضعیت هولناک کنونی‌اش آزاد گشته و به ساحل امنیت و رفاه و عدالت و آزادی برسد.

پس وقتی سخن از غدیر به میان می‌آید، معنایی جز یادکردن این اوصاف و این روح بلندی که در وجود امیر المؤمنین علیه السلام تجسم پیدا کرده است ندارد.

و آیا تاریخ بار دیگر حاکم عادل‌ی چون علی علیه السلام را به خود می‌بیند که چون او با ضعیف‌ترین مردمان هم‌دردی و مواسات کند؟

و اینجاست که مفهوم آن فرمایش امام رضا علیه السلام بهتر روشن می‌شود که فرمود: «لو عرف الناس فضل هذا اليوم بحقیقته لصافحتهم الملائكة في كل يوم عشر مرّات^۱؛ اگر مردم به حقیقت و باطن روز غدیر پی می‌بردند، روزانه ده بار فرشتگان به دیدنشان آمده و با آنان مصافحه می‌کردند».

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين